

دادرسی اطفال در حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد

برای دادرسی ویژه نوجوانان مقررات پکن

محمد رضا الهی منش^۱، افشین طاهرخانی^۲

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که چه تلقی‌ای از طفل و نوجوان در اسناد بین‌المللی به خصوص مقررات پکن وجود دارد و در صورت ارتکاب جرم از سوی آن‌ها از چه حمایت‌ها و تضمین‌آتی برخوردار هستند؟ یافته‌ها حاکی از آن است که در اسناد بین‌المللی به خصوص قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل در باب دادرسی نوجوانان قواعد پکن حداقل مقررات و استانداردهای نوجوان عبارت از کودک یا فرد کم سالی است که تحت نظام قانونی ذیربط مشمول رفتاری متفاوت با رفتار جاری نسبت به افزایش افراد بزرگسال می‌شود هر چند در این مقررات به صورت صریح سن معینی به عنوان تعیین‌کننده سن نوجوان تعیین نشده است لیکن دولت‌ها مکلف شده تا در تشخیص سن مسئولیت کیفری با توجه به بلوغ روانی، عقلی و عاطفی سن پایین را تعیین نمایند در دادرسی مربوط به نوجوانان اصل پیشبرد مصلحت نوجوانان و اصل تناسب واکنش در برابر بزهکار در تعیین مجازات به عنوان اصول تعیین‌کننده خط و مشی برخورد با نوجوانان اعلام گردیده هست و رعایت تضمیناتی چون اماره براءت حق اطلاع از اتهامات حق اختیار سکوت، حق دسترسی به وکیل و مشاور حقوقی و... به عنوان حداقل استانداردهای لازم پیش‌بینی گردیده است. با توجه به اثرات نامطلوب برچسب مجرمانه به نوجوانان پیش‌بینی‌های لازم در جهت حفظ حریم شخصی و قضاودایی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: دادرسی کودکان، سن مسئولیت کیفری، مصلحت نوجوانان، اصل تناسب.

۱- مقدمه

اطفال و نوجوانان سرمایه‌های معنوی هر جامعه محسوب می‌شوند؛ که سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده سلامت جامعه در آینده خواهد بود؛ بنابراین مسائل آنان از جمله بزهکاری این گروه نیازمند اختصاص تدابیر ویژه و مجزا می‌باشد. در این راستا هنگام دستگیری طفل یا نوجوان در اداره پلیس و در ادامه آن در مرحله تحقیقات مقدماتی چنانچه رفتار کنش‌گران این نهادها با طفل یا نوجوان بزهکار کرامت مدار نباشد، می‌تواند آثار کمانه‌ای فراوانی برای وی و جامعه به همراه داشته باشد. استفاده از تدابیری چون قضا‌دایی، رعایت حقوق دفاعی و تناسب در صدور قرارهای کیفری بر مبنای پرونده شخصیت در این مرحله می‌تواند از ادامه‌ی فرایند کیفری جلوگیری کند (ناصری و تاج آبادی، ۱۳۹۷: ۳) در همین راستا پیش نویس مقررات مربوط به رعایت حداقل استاندارد حقوق کودکان که در تاریخ ۱۸ می در اجلاس بین منطقه‌ای در پکن تهیه شده بود، نهایتاً در نوامبر ۱۹۸۵ طی قطعنامه ۴۰/۳۳ سازمان ملل متحد به تصویب رسید. بر اساس این مقررات، در رسیدگی به جرایم نوجوانان، کشورهای عضو مکلف به رعایت برخی تضمیناتی در دادرسی‌های مربوط به کودکان می‌باشند. در این تحقیق در صدد بررسی این تضمینات حداقلی پیش‌بینی شده در قطعنامه یا همان مقررات معروف به مقررات پکن می‌باشد.

۲ - مفهوم کودک یا نوجوان

در غالب اسناد بین‌المللی تعریف مشخصی از کودک ارائه نشده و تنها با اشاره به واژه کودک یا نوجوان سعی در معطوف داشتن نگاه دولت‌ها به اهمیت موضوع و حمایت از کودکان و نوجوانان و تعیین سن مسؤلیت‌پذیری کیفری آنان شده است (محبعلی و همکاران، ۳۲: ۱۳۹۷).

در قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل در باب دادرسی نوجوانان (مقررات پکن) در بند «الف» از قاعده ۲-۲ این سند در تعریف «نوجوان» بیان می‌دارد: «نوجوان عبارت از کودک یا فرد کم سالی است که تحت نظام قانونی ذیربط مشمول رفتاری متفاوت با رفتار جاری نسبت به افراد بزرگسال می‌باشد.» در بند «ج» این قاعده «بزهکار نوجوان»^۱ چنین تعریف شده است: «بزهکار نوجوان عبارت از کودک یا فرد کم‌سالی است که متهم به ارتکاب بزه است یا محرز شده که مرتکب بزه شده است.» هر چند تعیین حداقل سن مسؤلیت کیفری بر حسب تاریخ و فرهنگ به دولت‌ها محول گردیده است لیکن در مقررات پکن محدودیت‌هایی به این شرح برای تعیین سن مسؤلیت کیفری برای دولت‌ها پیش‌بینی شده است؛ به طوریکه در قاعده ۱-۴ آمده است در نظام‌های حقوقی که مفهوم سن مسؤلیت کیفری برای نوجوانان به رسمیت شناخته می‌شود آغاز این سن با توجه به واقعیت‌های مربوط به بلوغ عاطفی روانی و عقلی در سطح سنین بسیار پایین تعیین نخواهد گردید» و در شرح همین قاعده آمده است: حداقل سن مسؤلیت کیفری بر حسب تاریخ و فرهنگ به صورت گسترده متفاوت می‌باشد در رویکرد امروزی این نکته باید در نظر گرفته شود که آیا کودک دارای توانایی رعایت مولفه‌های اخلاقی و روانی مسؤلیت کیفری می‌باشد یا خیر.

بدین معنی که آیا کودک به موجب قدرت تشخیص و نیروی درک انفرادی خود می‌تواند مسئول رفتار اساساً ضد اجتماعی قلمداد گردد. چنانچه سن مسؤلیت کیفری بسیار پایین تعیین شود یا چنانچه اصولاً محدودیتی از نظر حداقل سن تعیین نگردد، مفهوم مسؤلیت بی‌معنا خواهد شد.

1. Juvenile delinquency

به طور کلی رابطه نزدیکی بین مفهوم مسئولیت در برابر رفتار بزهکارانه یا مجرمانه و سایر حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی از قبیل وضعیت تاهل، سن قانونی، رشد و غیره وجود دارد بنابراین باید کوشش شود تا در مورد حداقل سنی که منطقی بوده و از نظر بین‌المللی قابل اجراست، توافق گردد.

در اجرای مقررات مذکور و در حمایت بیشتر از حقوق کودکان کنوانسیون حقوق کودک در نوامبر ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و در سپتامبر ۱۹۹۲ اجرایی شد (مجمعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲) و در اجرای مقررات کنوانسیون با انتخاب دولت‌های عضو کمیته ۱۰ نفره تشکیل شد که یکی از وظایف کمیته ارائه نظریه‌های عمومی در اجرای تدابیر کنوانسیون می‌باشد در نظریه شماره ۱۰ کمیته اجرایی، حداقل سن مسئولیت کیفری کمتر از ۱۲ سال را به لحاظ بین‌المللی نمی‌پذیرد.

دولت‌های عضو تشویق شدند تا حداقل سن مسئولیت کیفری خود را به سن ۱۲ سالگی به عنوان حداقل سن مطلق افزایش دهند و از طرف دیگر بر اساس مفاد ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک باید با هر فرد کمتر از ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم انتسابی مطابق قوانین عدالت برای نوجوانان رفتار گردد و این کمیته به آن دسته از دولت‌های عضو که اعمال قواعد عدالت برای نوجوانان را محدود به کودکان کمتر از ۱۶ سال یا پایین‌تر می‌کند یا با استثنا کودکان ۱۶ و ۱۷ سال اجازه می‌دهد با آن‌ها به عنوان مجرم بزرگسال رفتار گردد یادآور می‌گردد که قوانین خود را با دیدگاه تحقق نظام عدالت نوجوانان بدون تبعیض در مورد تمامی افراد زیر ۱۸ سال اعمال نماید.

۳- اهداف دادرسی نوجوانان

دادرسی کیفری ویژه اطفال که از بدو تماس کودک و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی، به لحاظ ارتکاب اعمال مغایر با قانون جزا، تا خاتمه رسیدگی به اتهام او جریان دارد از حیث ضرورت تامین هدف والای انسانی اصلاح و تربیت و پیشگیری از وقوع جرم ایشان واجد اهمیت فراوان است. شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می‌باشد. از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصراً یا غالباً در دادرسی اطفال فعالیت دارند، باید از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روان‌شناسی کودک، مددکاری اجتماعی و جرم‌شناسی آشنایی کاملی داشته باشند. دادرسی باید کاملاً غیرعلنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد. تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی، روان‌شناسی مددکاری و جرم‌شناسی است در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوان ضرورت دارد (بدری، ۱۳۹۶: ۵۷).

بر اساس قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل در باب دادرسی و صدور حکم مجازات نوجوانان دو اصل مصلحت نوجوانان و تناسب مجازات‌ها با شرایط بزهکار باید مورد توجه قرار گرفته و بر مبنای آن‌ها مقررات مربوط به دادرسی نوجوانان وضع گردد. در قاعده ۵-۱ همان مقررات آمده است: «نظام قضایی نوجوانان بر مصلحت نوجوانان تاکید دارد و اطمینان حاصل خواهد نمود که هرگونه واکنش در قبال بزهکاران نوجوان همواره متناسب با شرایط بزهکاران همچنین نوع بزه باشد».

در شرح این قاعده آمده است: «قاعده ۵ به دو هدف از مهم‌ترین اهداف دادرسی نوجوانان اشاره دارد هدف اول پیشبرد مصلحت نوجوانان می‌باشد: لذا هدف از دادرسی اطفال و نوجوانان مقابله با بزهکاری با توسل به پاسخ‌های خشن و سزادهنده یا اجرای عدالت مطلق نیست بلکه تکیه بر هدف فایده‌مندی مجازات‌ها از طریق حمایت از این افراد در برابر آسیب‌های بیشتر است از آنجایی که رعایت مصلحت نوجوانان چشم‌انداز دادرسی است باید تمام اقدامات و الزامات دادرسی برای رسیدن به این چشم‌انداز هدایت شود (طهماسبی ۱۳۹۹: ۲۳۵).

هدف دوم اصل تناسب است اصل تناسب به عنوان یکی از ابزارهای اجتناب از ضمانت اجراهای تنبیهی، به خوبی شناخته شده است و غالباً با عبارت «مجازات شایسته» متناسب با سنگینی جرم بیان می‌گردد. واکنش در برابر بزهکاران نوجوان باید نه تنها با توجه به سنگین جرم بلکه مبتنی بر شرایط شخصی نیز باشد شرایط فردی بزهکار (مثلاً موقعیت اجتماعی، وضعیت خانوادگی، آسیب ناشی از بزه یا سایر عوامل موثر بر شرایط شخصی) باید بر تناسب واکنش‌ها (مثلاً توجه به تلاش بزهکار جهت جبران خسارت فرد زیان‌دیده یا تمایل وی به بازگشت به زندگی سالم و سودمند) تاثیر داشته باشد. بنابراین در بین

اهداف انتقام و سرکوبگری، ارعاب اعم از فردی و جمعی، ناتوان‌سازی یا سلب صلاحیت ارتکاب جرم اصلاح و تربیت یا باز اجتماعی کردن به عنوان مهم‌ترین هدف کیفری، مورد اخیر یعنی اصلاح و تربیت و باز اجتماعی کردن تنها هدفی است که با بزهکاری کودکان تناسب دارد و باید با هدف ارتقا شخصیت، حمایت و مسئولیت‌پذیری آنان اعمال شود (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۲۳۶).

در تبیین اهداف و اصول راهبردی در برنامه جامع عدالت برای نوجوانان کمیته اجرایی کنوانسیون حقوق کودک مقرر داشته که برنامه‌ریزی دولت‌های عضو در مواجهه با کودکان بزهکار اصل مصلحت و تناسب را به این شرح تبیین نموده است. برنامه‌های پیشگیری باید بر حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر، مشارکت مدارس در آموزش هنجارهای اساسی و گسترش مراقبت و توجه ویژه برای جوانان در خطر، تمرکز کند. باید توجه ویژه‌ای به کودکانی که ترک تحصیل کردند یا کودکانی که به هر شکل تحصیلات خود را پایان نرسانده‌اند، معطوف گردد.

دولت‌های عضو باید خدمات و برنامه‌های اجتماع بنیان را طراحی و اجرا کنند که به نیازها و مسائل دغدغه‌ها و علاقه ویژه کودکان بخصوص کودکانی که به طور مکرر مرتکب جرم می‌گردند، پاسخ دهد.

به طور کلی، مقامات دولتی برای برخورد با کودکان متهم به تخلف می‌توانند دو نوع مداخله استفاده نمایند:

الف) اقدام بدون توسل به دادرسی قضایی

۱. بر اساس بند ۳ ماده ۴۰ دولت‌ها باید در موارد مقتضی بدون توسل به دادرسی قضایی اقدامات لازم در برخورد با کودکان متهم به تخلف به عمل آورند.

۲. از جمله تدابیر بدون توسل به دادرسی قضایی را می‌توان خدمات اجتماعی، پرداخت خسارت به قربانیان، کنفرانس خانوادگی و نظارت و راهنمایی توسط مددکاران اجتماعی نام برد.

تدابیر برخورد با کودکان معارض بدون توسل قضایی محدود به کودکانی است که مرتکب جرایم سبک شدند مانند دزدی از مغازه یا سایر جرایم مالی و ...

ب) اقدام در چارچوب رسیدگی قضایی

در این صورت اصول محاکمه منصفانه و عادلانه ضروری می‌باشد که در مباحث بعدی به آنها می‌پردازیم.

۴- حقوق نوجوانان

بر اساس قاعده ۱-۷-۷-۱ حدافل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) «تضمینات بنیادی دادرسی از قبیل اماره برائت، حق اطلاع از اتهامات، حق اختیار سکوت، حق مشاوره حقوقی، حق حضور یکی از والدین یا سرپرست، حق مواجهه و طرح سوال متقابل از شهود و حق طرح استیناف در مرجع بالاتر در کلیه مراحل رسیدگی تأمین خواهد شد» و در شرح این قاعده آمده است:

«در قاعده ۷-۱ بر برخی از نکات مهم که نمایانگر عناصر ضروری محاکمه منصفانه و عادلانه هستند و به موجب اسناد موجود حقوق بشر در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند، تأکید گردیده است».

برای مثال اماره برائت در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ و ماده ۱۴ عهدنامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تصریح شده است. در مقررات ۱۴ به بعد حدافل مقررات استاندارد حاضر، موضوعاتی که از نظر رسیدگی در دادرسی‌های نوجوانان به طور اخص دارای اهمیت می‌باشد مشخص گردیده است حال آنکه در قاعده ۷-۱ اساسی‌ترین تضمینات به صورت کلی تصریح شده است.

حقوق نوجوانان یا تضمینات دادرسی منصفانه که در قاعده ۷-۱ مقررات پکن که بصورت کلی بیان گردیده است در بند دوم ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک مجدداً مورد تأکید قرار گرفته و شامل فهرست مهمی از حقوق و ضمانت‌هایی است که هدف تمامی آنها تضمین این امر است که تمامی کودکانی که علیه آنها ادعا شده یا متهم یا ناقص قوانین کیفری شناخته می‌شوند از رسیدگی و محاکمه عادلانه برخوردار گردند کمیته اجرایی کنوانسیون حقوق کودک در نظریه عمومی شماره ۱۰ تمامی این تضمینات را تشریح نموده است:

الف) اماره برائت

فرض بی‌گناهی به این معنا که بار اثبات اتهام مطروحه علیه کودک بر عهده داستانی می‌باشد. و تنها در صورتی گناهکار است که اتهامات با دلیل قطعی و غیرقابل تردید اثبات گردد.

ب) حق اطلاع از اتهامات

هر کودکی که علیه او ادعا شده یا متهم به نقض قوانین کیفری می‌باشد باید از حق اطلاع رسانی فوری و مستقیم در باره اتهامات مطروحه علیه خود برخوردار گردد. فوری و مستقیم به معنای این است که در اولین فرصت ممکن و زمانی که دادستان یا قاضی اقدامات رسیدگی قانونی علیه کودک را اتخاذ می‌کند. این اطلاع رسانی باید به زبانی که کودک درک می‌کند، مطلع گردد ارائه یک سند رسمی به کودک کفایت نمی‌کند و توضیح شفاهی ممکن است ضروری باشد. کمیته معتقد است که ارائه چنین اطلاعاتی به والدین یا سرپرستان قانونی نمی‌تواند جایگزین ارائه اطلاعات به کودک باشد.

ج) حق سکوت

این حق در کنوانسیون حقوق کودک در منع اخذ اجباری شهادت یا اقرار استنباط می‌شود: «کنوانسیون حقوق کودک ملزم می‌کند که کودک نباید به شهادت یا اقرار یا تصدیق جرم مجبور گردد. این مسئله بدان معناست که شکنجه یا رفتاری بی‌رحمانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز برای کسب اعتراف یا اقرار به منزله نقض فاحش حقوق کودک می‌باشد و کاملاً غیرقابل قبول می‌باشد اعتراف یا اقرارهای این چنینی هرگز به عنوان مدرک قابل پذیرش نمی‌باشند روش‌های ملایم‌تر برای واداشتن یا هدایت کودک به سمت اعتراف یا اقرار وجود دارد. اصطلاح اجبار باید در معنای وسیع تفسیر گردد و نباید به نیروی فیزیکی یا موارد دیگر نقض آشکار حقوق بشر محدود کرد».

د) حق مشاوره حقوقی

این حق نیز در کنوانسیون حقوق کودک و نظریه عمومی کمیته اجرایی تشریح گردیده است: «معاذت‌های حقوقی یا سایر کمک‌های لازم به منظور آماده‌سازی و ارائه دفاعیه کودک باید تضمین گردند. کنوانسیون حقوق کودک ارائه معاضدت‌ها به کودک را الزامی نموده است اما کمک‌ها در تمام شرایط لزوماً حقوقی نیستند بلکه باید به فراخور باشند تعیین چگونگی ارائه معاضدت به صلاح دید دولت‌های عضو محول شده است؛ با این حال کمک‌ها باید رایگان باشد کمیته توصیه می‌کند تا حد امکان مشاورین حقوقی آموزش‌دیده مانند وکلای خبره یا دستیاران حقوقی را تأمین نمایند. سایر کمک‌های لازم مانند مددکار اجتماعی نیز امکان‌پذیر است اما چنین اشخاصی باید از دانش و درک کافی ابعاد مختلف حقوقی فرایند عدالت نوجوانان مطلع باشند و باید در زمینه کار با کودکان معارض قانون آموزش دیده باشد».

ه) حق حضور یکی از والدین یا سرپرست

کمیته اجرایی کنوانسیون حقوق کودک در همان نظریه شماره ۱۰ خود به این حق نوجوانان در دادرسی کودکان نیز پرداخت و مقرر می‌دارد: «والدین یا سرپرستان قانونی باید در زمان دادرسی حضور داشته باشند زیرا آنها می‌توانند حمایت روانی و عاطفی عمومی را برای کودک فراهم کنند کمیته به دولت‌های عضو توصیه می‌کند تا بر اساس قانون حداکثر مشارکت ممکن والدین یا سرپرستان قانونی را در دادرسی کودکان فراهم کنند».

و) حق مواجهه و سؤال متقابل از شهود

این حق بنیادی حقوق کودکان نیز در کنوانسیون حقوق کودک و نظریه عمومی کمیته اجرایی مورد تأکید قرار گرفته است: «محاكمه منصفانه مستلزم آن است که کودکی که علیه آن ادعا شده یا متهم به نقض قوانین کیفری می‌باشد، بتواند به صورت مؤثر در محاکم حضور یابد و از این رو باید اتهامات عواقب و مجازات‌های محتمل را درک نماید تا بتواند نماینده حقوقی را هدایت کند، از شاهدان سوال کند، رویدادها را توضیح دهد و تصمیمات لازم در باره شواهد شهادت و اقداماتی که قرار است، اعمال شود، اتخاذ نماید».

ز) حق طرح استیناف در مرجع بالاتر

آخرین تضمین پیش‌بینی شده در قاعده ۷-۱ مقررات پکن نیز در نظریه عمومی کمیته اجرایی کنوانسیون حقوق کودک تفسیر و تبیین گردیده است: «کودک از حق تجدیدنظرخواهی نسبت به حکمی که وی را با توجه به اتهام مطروحه علیه وی محکوم می‌سازد و نسبت به تدابیر وضع شده به عنوان نتیجه این محکومیت برخوردار است. مقام یا نهاد قضایی بالاتر صالح، مستقل و بی‌طرف باید به تجدیدنظرخواهی رسیدگی کند».

ه- حفظ حریم شخصی و قضا زدایی

برخلاف بزرگسالان که علنی بودن دادرسی آنان در زمره الزامات دادرسی منصفانه محسوب است، این امر در مورد کودکان باید به صورت محرمانه و غیرعلنی باشد. زیرا برچسب مجرمیت بر این افراد سبب می‌گردد که هویت مجرمانه را پذیرا شوند و مسیر آینده زندگی آنان بر اساس هویت جدید شکل گیرد و از طرف دیگر دوری از فرآیند رسمی کیفری و توسل به ساز و کار خانوادگی، اجتماعی، سازمان مردم نهاد و موسسات تربیتی و غیره برای پاسخگویی به بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از اصول راهبردی است، که در اسناد بین‌المللی مورد تأکید است (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۲۳۸).

لذا حفظ حریم خصوصی کودکان و قضا زدایی به جهت رعایت مصلحت و حمایت از کودکان در حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه نوجوانان به عنوان دو اصل اساسی پیش‌بینی گردیده است:

الف) حفظ حریم شخصی

بر اساس قاعده ۸-۱ مقررات مزبور: «حق حریم خصوصی برای نوجوانان به منظور اجتناب از آسیب دیدن وی در نتیجه علنی شدن بی‌مورد یا فرآیند برچسب زدن در کلیه مراحل محترم داشته و خواهد شد» و بر اساس قاعده ۸-۲ همان مقررات «اصولاً هیچ اطلاعاتی که منجر به افشای هویت نوجوانان بزهکار گردد، انتشار نخواهد یافت».

در شرح این قاعده آمده است: «نوجوانان به ویژه در معرض برچسب خوردن قرار دارند و به موجب تحقیقات جرم شناختی در زمینه فرایندهای برچسب‌زنی شواهدی از تأثیر زیانبار (به انواع مختلف) ناشی از شناسایی دائم نوجوانان به عنوان بزهکار یا مجرم ارائه گردیده است».

در قاعده ۸ بر اهمیت حمایت از نوجوان در مقابل تأثیرات زیانبار ناشی از انتشار اطلاعات در مورد پرونده جهت رسیدگی در رسانه‌های جمعی (برای مثال اسامی نوجوانان بزهکار متهم یا محکوم) تأکید گردیده است. منافع فرد باید حداقل به صورت اصلی، حفظ و رعایت گردد.

رعایت این اصل در کنوانسیون حقوق کودک نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است و در نظریه عمومی شماره کمیته اجرایی چنین توجیه گردیده است: «حق کودک به رعایت حریم خصوصی وی در تمامی مراحل دادرسی بازتاب حق حمایت از حق حریم خصوصی مندرج در ماده کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد نباید اطلاعاتی که ممکن است به شناسایی کودک متخلف منجر گردد به خاطر اثر احتمالی آن بر بدنام‌سازی کودک و تأثیر احتمالی آن بر بدنام‌سازی کودک و تأثیر احتمالی آنها بر توانایی وی برای دسترسی به آموزش، کار، مسکن و امنیت بیشتر منتشر گردد. کمیته به تمامی دولت‌های عضو توصیه می‌کند قاعده برگزاری دادگاه و سایر مراجع استماع کودک معارض قانون در پشت درهای بسته را ایجاد نمایند. استثنا قاعده فوق باید بسیار محدود باشد و یا حکم باید به گونه ای در جلسه دادگاه به صورت علنی اعلام گردند که هویت کودک فاش نگردد کمیته به دولت‌های عضو توصیه می‌کند قوانین را به گونه‌ای وضع کند که امکان حذف خودکار سوابق کیفری نام کودک مرتکب جرم را با رسیدن کودک به سن ۱۸ سال یا یک سن خاص فراهم آورند.

ب) قضا زدایی

قضا زدایی که متضمن پرهیز از فرایند رسیدگی کیفری و غالباً تغییر جهت به خدمات حمایت اجتماعی است به طور معمول در بسیاری از نظام های حقوقی بر مبنای رسمی و غیر رسمی اجرا میگردد این امر مانع از تأثیرات منفی دادرسی‌های متعاقبها در رسیدگی قضایی نوجوانان برای مثال برچسب محکومیت و مجازات می‌گردد در بسیاری موارد عدم مداخله مطلوب‌ترین واکنش خواهد بود از این رو قضا زدایی در بدو امر و بدون ارجاع به خدمات اجتماعی جایگزین احتمالاً واکنش

بهینه خواهد بود این امر به ویژه در مواردی که جرم ماهیتاً شدید نبوده و خانواده و مدرسه یا سایر نهادهای غیر رسمی کنترل اجتماعی به نحو مقتضی و سازنده واکنش نشان داده و یا احتمال می‌رود، واکنش نشان دهند صادق می‌باشد. در حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) دو نوع مداخله در برخورد با بزهکاران نوجوان پیش بینی شده است:

۱. قاعده ۱۱ به منظور حمایت از کودکان بزهکار و در جهت رعایت مصلحت آنها به نیروی انتظامی، دادستانی و سایر نهادهای رسیدگی به پرونده های نوجوانان اختیار داده شده تا به صلاح دید خود بدون ارجاع به رسیدگی های رسمی، برنامه های اجتماعی از قبیل نظارت و راهنمایی موقت، جبران خسارت و پرداخت غرامت به زیان دیده را فراهم نموده تا مانع از حضور کودک نوجوان در مراجع ذیصلاح (دادگاه، دیوان، هیئت شورا و غیره) شوند.

۲. بر اساس قاعده ۱۴ در صورت عدم قضا‌دایی از پرونده نوجوان بزهکار برخورد با او توسط مراجع ذیصلاح بر طبق اصول محاکمه منصفانه و عادلانه انجام خواهد شد.

در مقررات پکن به شرح فوق و نیز در بند ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حق کودک بر اولویت شیوه قضا زدایی تاکید شده است. لیکن اختیارات مقامات رسمی در قضا زدایی و ارجاع به خدمات اجتماعی نامحدود نمی‌باشد و شرایطی در مقررات پکن در این خصوص پیش بینی شده است از جمله اینکه ارجاع به خدمات اجتماعی یا سایر خدمات مناسب، مستلزم موافقت نوجوان یا والدین یا سرپرست می‌باشد یعنی موافقت بزهکار نوجوان یا والدین و سرپرست ایشان جلب شده باشد و از آنجایی که در برخی موارد نوجوان صرفاً به دلیل ناچاری محض رضایت خود را اعلام می‌دارد، اینگونه رضایت نباید بدون مذاقه کافی پذیرفته شود.

نتیجه گیری

از آنجایی که نوجوانان یا اطفال به آن مرحله از رشد عقلی، عاطفی و روانی نرسیده که قادر به درک صحیح از رفتار خود و نیز قوانین و مقررات حاکم بر جامعه باشند و در عین حال سرمایه های معنوی هر جامعه محسوب می‌شوند که سلامت روح و جسم آنها تضمین کننده سلامت جامعه خواهد بود، لذا در صورت ارتکاب جرم همواره مورد حمایت سازمانها و نهادهای بین المللی بوده اند.

در قوانین بین المللی و به خصوص حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) که در نوامبر ۱۹۸۵ در قطعنامه ۴۰/۳۳ به تصویب اعضای مجمع عمومی رسیده است، تلاش خود را در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان بزهکار به عمل آورده است. در جهت حمایت؛

▪ دولتهای عضو را مکلف می‌کند تا سن مسئولیت کیفری را بسیار پایین تعیین ننمایند تا بتوان طفل یا نوجوان را به موجب قدرت تشخیص و نیروی درک انفرادی خود مسئول رفتار اساساً ضد اجتماعی قلمداد کنند.

▪ هدف در مداخله نظام عدالت کیفری تنبیه و یا مکافات عمل در رابطه با نوجوانان بزهکار نیست. اصل رعایت مصلحت نوجوانان و اصل تناسب در تعیین مجازات به عنوان اصول راهبردی و از اهداف اصلی نظام عدالت کیفری در برخورد با کودکان بزهکار خواهد بود.

▪ اماره برائت، حق اطلاع از اتهامات، حق اختیار سکوت، حق تجدید نظر خواهی و حق مشاوره حقوقی و... به عنوان تضمینات بنیادی دادرسی در کلیه مراحل رسیدگی مورد تاکید قرار گرفته است.

▪ به منظور جلوگیری از آثار منفی برجسب زدن بر کودکان و نوجوانان بزهکار حفظ حریم شخصی کودکان بزهکار و منع انتشار اطلاعاتی که منجر به افشای هویت نوجوان بزهکار گردد مورد تاکید قرار گرفته است و در عین حال تشویق نیروی انتظامی دادستانی و سایر نهادهای رسمی به قضا‌دایی و ارجاع امر به خدمات اجتماعی و یا کوشش در جهت نظارت و راهنمایی موقت، جبران خسارت و پرداخت غرامت به زیان دیده به جای مداخله نظام عدالت کیفری پیشنهاد شده است.

در پایان هر چند مقررات مزبور به عنوان اصول راهبردی تعیین حداقل استانداردهای لازم برای دادرسی کودکان ضروری و مفید بوده است، لیکن به علت عدم تعیین سن معینی که بتوان آن را ملاک قرار داد و بر اساس آن سن مسئولیت کیفری را به صورت قاطع برای تمام کشورها لازم الاجرا دانست، قابل انتقاد می باشد.

منابع و مآخذ

۱. باوی، حسن؛ شهبازی، امید و رحیمی دهوری، رضا (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان (بر اساس سرفصلهای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴)، تهران، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲. بدری، علی (۱۳۹۶)، دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران، نشریه قانون یار، شماره ۱.
۳. طهماسبی، جواد (۱۳۹۹)، آیین دادرسی کیفری تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۴. محبعلی، امیر حسین؛ مهیمنی، مریم و سرائی، زهره (۱۳۹۷)، تفسیر حقوق کودک تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.
۵. مرکز اسناد حقوق بشر ایران، کنوانسیون حقوق کودک، برگرفته شده از سایت به نشانی:
<http://iranhrdc.org>
۶. مقررات پکن، برگرفته شده از سایت به نشانی:
http://www.unicef.org/iran/press/press_releases/2002/020202_01.html
۷. ناصری، نسیم و تاج آبادی، فاطمه (۱۳۹۷) بررسی آیین دادرسی جرایم اطفال و نوجوانان در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی و تطبیق آن با مقررات کنوانسیون حقوق کودک و قواعد پکن، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوق و روانشناسی دانشگاه دولتی دامغان، دامغان.

Juvenile proceedings in the minimum standard of the United Nations For the special proceedings of juveniles of Beijing regulation

Mohammad Reza Elahi Manesh¹, Afshin Taher Khani²

¹Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch

²Doctoral student of criminal law and criminology, Islamic Azad University, North Tehran branch

Abstract

This article aims to answer the question of what is the perception of children and adolescents in international documents, especially Beijing regulations, and what future protections and guarantees do they have in case of committing a crime? The findings indicate that in international documents, especially the United Nations minimum standard rules regarding juvenile proceedings, the Beijing Rules, the minimum regulations and standards of a juvenile are a child or a minor who, under the relevant legal system, is subject to a treatment different from the current treatment in relation to the increase of people. becomes an adult, although in these regulations, a certain age is not explicitly determined as determining the age of a juvenile, but the governments are obliged not to determine the age of criminal responsibility in the determination of the age of criminal responsibility, considering the mental, intellectual and emotional maturity, in the proceedings related to the main juveniles Advancing the interest of juveniles and the principle of proportionality of reaction against the offender in determining the punishment have been declared as the determining principles of the policy of dealing with juveniles, and the observance of guarantees such as the right to be informed of the charges, the right to remain silent, the right to access a lawyer and legal advisor, etc. .. has been predicted as the minimum necessary standards. Due to the adverse effects of the criminal label on teenagers, necessary provisions have been made in order to protect personal privacy and de-judgment.

Keywords: Children's proceedings, the age of criminal responsibility, the interest of juveniles, the principle of proportionality.
